

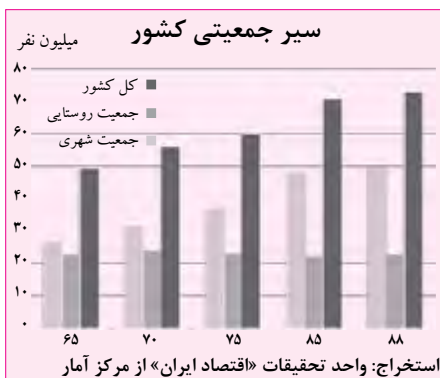
در این سرفصل همچنین می‌خوانید:

۳۲ رقابت استانی
۳۳ "سرطان، جز درد هزینه هم دارد"
۳۴ سرمای تولید
۳۹ آهسته نرانید! کارگران مشغول کار نیستند
۴۰ پوسته و هسته گرانی
۴۱ پویایی نظام بانکی، پیش‌نیاز توسعه پایدار
۴۲ نفرین نفت
۴۳ اندر مضارّ تحصیل

تراز جمعیتی این مناطق در چند سال گذشته ثابت باقی مانده است.

برای زندگی بهتر

در مورد علل افزایش چشمگیر جمعیت شهری (عمدتاً شهرهای بزرگ) در سنوات گذشته و نیز سیل مهاجرت به این نواحی، متغیرهای متعددی می‌توانند دخیل باشند. بررسی‌های واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران» در مورد شاخص‌های جمعیتی کشور به خوبی نشان می‌دهند که میزان ولادت ثبت شده در نواحی شهری کشور، بعد از یک دوره نزول در فاصله سال‌های ۶۵ تا ۷۵ به یکباره روند افزایشی به خود گرفته، به طوری که از حدود ۷۰۰ هزار نفر در سال ۶۵ به حدود ۹۳۸ هزار نفر در پایان سال ۸۸ رسیده است. گفتنی است در دوره مذکور، میزان زاد و ولد سالانه در نواحی روستایی - به رغم افزایش جزئی در چند سال گذشته - با طی یک روند تقریباً نزولی از یک میلیون و ۳۵۰ هزار نفر در سال ۶۵ به ۴۱۰ هزار نفر در پایان سال گذشته رسیده است. طبیعی است که میزان زاد و ولد در هر منطقه با حضور جمعیت فعال و ازدواج رابطه مستقیم دارد و به همین دلیل، آمارهای مذکور می‌توانند از دلایل کاهش جمعیت فعال در نواحی روستایی کشور و یا همان افزایش مهاجرت از روستاها به شهرها باشند.



زندگی در شهر و روستا

در آرزوی توسعه متوازن

توسعه ناهمگون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در کشور از اصلی‌ترین عوامل مهاجرت به شهرها و به هم خوردن نسبت جمعیتی در کشور در ۳۰ سال اخیر بوده است.

اساسی طرح جدید دولت هستند. پاسخ به این ابهامات، نیازمند واکاوی و ریشه‌یابی علل افزایش مهاجرت به شهرها در سالیان گذشته است.

سیر جمعیتی ایران
بر اساس آخرین آمار منتشر شده توسط سازمان ثبت احوال، جمعیت کشور در سال ۸۸ معادل ۷۲ میلیون و ۸۷۴ هزار و ۴۹ نفر بوده که از این میزان ۴۹ میلیون و ۹۱۸ هزار و ۷۲۴ نفر در مناطق شهری و ۲۲ میلیون و ۹۵۵ هزار و ۳۲۵ نفر در مناطق روستایی ساکن هستند. مقایسه این ارقام با نتایج آخرین سرشماری نفوس و مسکن در سال ۸۵ نشان می‌دهد که رشد جمعیت در سال ۸۸ نسبت به این سال، ۳/۲۷ درصد بوده و این نرخ به تفکیک در نواحی شهری و روستایی به ترتیب ۳/۳۱ و ۳/۱۵ درصد بوده است.

نگاهی به آمارهای یک دوره ۲۴ ساله (۶۵-۸۸) نشان می‌دهد که جمعیت شهر نشین از حدود ۲۶/۸ میلیون نفر در سال ۶۵ با رشد ۸۶ درصدی به ۴۹/۹ میلیون نفر رسیده، در حالی که رشد این نرخ در مناطق روستایی در دوره مذکور تنها ۱/۵ درصد محاسبه می‌شود. این آمار حکایت از یک ثبات نسبی در جمعیت روستایی کشور دارد، به طوری که با خروج بخشی از جمعیت روستایی از این نواحی و جایگزین شدن این گروه با متولدین جدید،

طرح مهاجرت معکوس که یکی از شعارهای انتخاباتی دکتر محمود احمدی‌نژاد در انتخابات نهم بود، سرانجام در دولت دهم کلید خورد؛ آن هم در شرایطی که جوهر قانون هدفمند کردن یارانه‌ها هنوز خشک نشده و تبعات احتمالی اجرای این قانون در شهرها و روستاها روشن نیست. قرار است بخشی از افرادی که در سالیان گذشته به امید کسب و کار و زندگی بهتر، دیار خود را به مقصد شهرهای بزرگ - عمدتاً تهران - ترک کرده‌اند، اینک با تسهیلاتی که دولت برایشان فراهم خواهد کرد، به دیار خود بازگردند تا از این رهگذر، قدری از تراکم جمعیت تهران کاسته شود. از سوی دیگر، بحث انتقال وزارتخانه‌ها، ادارات و نهادهای دولتی به خارج از تهران داغ شده و نزدیک به ۱۵ هزار کارمند داوطلب خروج از تهران هستند. البته تصمیم کاهش تراکم جمعیت برای افزایش سرانه رفاه شهری، همچون بسیاری از تصمیمات و ایده‌های دیگر که تاکنون مطرح شده، تصمیم درستی به نظر می‌رسد، اما سؤالاتی را در انداختن به وجود می‌آورد که پاسخ آنها چندان روشن نیست. مثلاً این که جمعیت مهاجر بعد از ترک تهران و دیگر شهرهای بزرگ، در کجا، چگونه و با چه سطحی از امکانات قرار است زندگی کنند، به پشتوانه کدام زیرساخت‌ها و مؤلفه‌ها، مهاجرت معکوس صورت می‌گیرد و یا این که دولت هزینه‌های چنین انتقالی را - آن هم در مقطع فعلی - چگونه تأمین می‌کند، از ابهامات

کشورمان را بشناسیم

رقابت استانی

ماهنامه «اقتصاد ایران» به منظور آشنایی خوانندگان با برخی از مهمترین شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی کشور که در دسترس می‌باشند به معرفی و رده بندی آنها می‌پردازد.

خوزستان

رتبه جمعیت: ۵
رتبه بیکاری: ۷
نرخ مشارکت اقتصادی: ۱۴
ارزش افزوده بخش صنعت: ۳
رتبه استان در محصول ناخالص داخلی کشور: ۲

مازندران

رتبه جمعیت: ۷
رتبه بیکاری: ۲۸
نرخ مشارکت اقتصادی: ۱۰
ارزش افزوده بخش صنعت: ۱۰
رتبه استان در محصول ناخالص داخلی کشور: ۸

کرمان

رتبه جمعیت: ۹
رتبه بیکاری: ۲۱
نرخ مشارکت اقتصادی: ۲۱
ارزش افزوده بخش صنعت: ۸
رتبه استان در محصول ناخالص داخلی کشور: ۹

مرکزی

رتبه جمعیت: ۱۸
رتبه بیکاری: ۱۱
نرخ مشارکت اقتصادی: ۱۸
ارزش افزوده بخش صنعت: ۴
رتبه استان در محصول ناخالص داخلی کشور: ۱۱

کردستان

رتبه جمعیت: ۱۶
رتبه بیکاری: ۸
نرخ مشارکت اقتصادی: ۱۳
ارزش افزوده بخش صنعت: ۲۶
رتبه استان در محصول ناخالص داخلی کشور: ۲۳

آموزش و تحصیلات، بهداشت، رسانه، مراکز تجاری و تفریحی و مواردی از این قبیل به خوبی ملموس است. البته این نکته را باید در نظر گرفت که به طور کلی، شهرنشینی امری نامطلوب نیست، بلکه از شاخص‌های توسعه یک کشور محسوب می‌شود، اما گذار از زندگی روستایی به شهری برای کشورهای در حال توسعه همچون ایران نباید به قیمت نابودی تولیدات صنعتی و کشاورزی و افزایش افراطی واردات - آن هم با اتکای مطلق به درآمدهای نفتی و گازی - تمام شود.

تمرکز زدایی دولتی

در حال حاضر می‌توان تقسیم بندی کشور را به نواحی شهری و روستایی به تقسیم بندی دیگری به شکل ساکن در شهرهای بزرگ و ساکن در شهرهای کوچک و روستاها تغییر داد. بر اساس نظر دولت، این تفکیک به صورت ساکن در تهران و غیرتهران در آمده است. به زعم رییس جمهور، حدود ۵ میلیون نفر از جمعیت ۱۳ میلیونی تهران، باید از این شهر خارج شوند. اگر دولت بخواهد تا پایان دوره فعالیت خود این اقدام را عملی نماید، باید سالی ۱/۵ میلیون نفر از تهران خارج شوند. سؤال آن است که دولت در مقطع فعلی بر اساس کدام جمع بندی قصد چنین اقدامی را دارد؟ تکلیف نواحی روستایی و شهرهای کم جمعیت که روشن است. این مناطق به هیچ وجه از لحاظ زیرساخت‌ها و امکانات رفاهی و زندگی در شرایط مطلوبی نیستند. احتمالاً این ۵ میلیون نفر قرار است به شهرهای بزرگ دیگر مثل اصفهان، شیراز و مشهد منتقل شوند که البته این شهرها از لحاظ امکانات - حداقل در مقطع کنونی- قابل قیاس با تهران نیستند. به علاوه دولت قرار است به کسانی که داوطلب می‌شوند، تسهیلات، وام مسکن و اضافه حقوق پرداخت کند تا فشاری به مهاجران معکوس وارد نشود. اما این پرداخت‌ها تا چه زمانی می‌توانند ادامه پیدا کنند؟ هزینه چنین انتقالی از کدام منبع تأمین خواهد شد و چندین و چند پرسش دیگر که اگر پرداخت یارانه نقدی دولت را در کنار پازل تمرکز زدایی بچینیم، پاسخ به سؤالات فوق، سخت‌تر هم می‌شود.

این فریه شدن روز افزون دولت و هزینه‌های آن در شرایطی رخ می‌دهد که طبق همه اسناد و قوانین بالا دستی کشور و توصیه‌های کارشناسان و صاحب نظران، دولت باید روز به روز کوچکتر شود و امور به بخش خصوصی و مردم واگذار گردد. به طور حتم با چنین اقداماتی، بسیاری از مردم تا مدت‌ها توانایی خروج از زیر سایه دولت را نخواهند داشت. مسلماً تمرکز زدایی و توسعه روستاها اقدامات مطلوبی‌اند، اما این سبک و سیاقی که در پیش گرفته شده، نقض بسیاری از برنامه ریزی‌های پیشین است که مستلزم ارزیابی‌های دقیق‌تری می‌باشد. ■

از سوی دیگر، بررسی نرخ بیکاری در نواحی شهری و روستایی و مقایسه آن با میزان توسعه و پیشرفت‌های صورت گرفته در این مناطق، نتایج جالبی را نشان می‌دهند. بر اساس گزارش واحد تحقیقات ماهنامه، تا قبل از سال ۷۶ نرخ بیکاری در نواحی شهری همواره کمتر از مناطق روستایی بوده، اما پس از آن، این روند کاملاً معکوس شده است. همچنین از سال ۸۰ به بعد، سال به سال شکاف بین نرخ بیکاری شهری و روستایی با افزایش روبه‌رو بوده، به طوری که از سال ۸۰ تا ۸۳ این نرخ در نواحی روستایی از حدود ۱۳/۵ درصد به ۶/۸ درصد کاهش یافته است؛ در شرایطی که نرخ بیکاری در مناطق شهری با وجود یک روند کاهش، بین ۱۲ تا ۱۴ درصد در نوسان بوده و در این محدوده باقی مانده است. از آنجا که نرخ بیکاری بر مبنای جمعیت فعال محاسبه می‌شود و همچنین واقعیت‌های موجود از عدم توسعه مطلوب روستاهای کشور در سنوات گذشته حکایت می‌کنند، بنابراین کاهش نرخ بیکاری روستایی بیش از آن که مرهون اشتغال‌زایی در این نواحی باشد، به کاهش جمعیت فعال روستایی کشور برمی‌گردد؛ جمعیتی که با مهاجرت به شهرها، بیکاری را با خود به مناطق شهری برده است.

شرایط اقتصادی موجود در کشور هم تأییدی بر این موضوع است. در سال‌های اخیر، مشاغل روستایی و تولید محور تا حدود زیادی کمرنگ شده و در عوض، واردات انواع محصولات برای تأمین نیاز جمعیت مصرف کننده شهری افزایش یافته و همچنین حاشیه نشینی و زاغه نشینی در اطراف شهرهای بزرگ، به خصوص تهران رشد کرده است. در ذکر علل این رخداد، می‌توان به عدم حمایت کافی از روستاییان، تمرکز امکانات و فرصت‌های شغلی در شهرها و توسعه نامتوازن اقتصادی به نفع نواحی شهری اشاره کرد. البته تمام مهاجرت صورت گرفته را نمی‌توان به مسایل اقتصادی نسبت داد، چرا که تأثیر مسایل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کمتر از اقتصاد نیست. افزایش توسعه سیاسی و اجتماعی شهرهای بزرگ که با ظهور موج مدرنیته در کشور همراه بوده است، جاذبه‌های زندگی شهری را در قیاس با نواحی کمتر توسعه یافته افزایش داده و این توسعه سیاسی-اجتماعی همچون توسعه اقتصادی، نامتوازن بوده است. این عدم توازن، به خصوص در حوزه‌هایی مثل

